**جلسه سوم تفسیر سوره علق**

**توحیدِ آخرین دین؛آینده انسان و یا آینده تکنولوژی؟**

**بسم الله الرّحمن الرّحیم**

**«اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ(1) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ(2) اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ»(3)**

**نسبت آخرین پیامبر و آخرالزمان و آخرین بشر**

-1 با توجه به سخن رسول خدا«صلّى‌الله‌عليه‌وآله» که فرمودند: «بُعِثتُ أنا وَ السّاعَةُ كَهاتَينِ ـ و أشارَ بِالوُسطى وَ السَّبّابَةِ» برانگيخته شدم در حالی‌که من و قيامت مانند اين دو مى‌باشند. پس از آن دو انگشت نشانه و ميانه خود را نشان دادند. یا می‌فرمایند: «بُعِثتُ و السّاعَةُ كَفَرسَي رِهانٍ يَسبِقُ أحَدُهُما صاحِبَهُ بِاُذُنِهِ ، إن كانَتِ السّاعَةُ لَتَسبِقُني إلَيكُم!» من برانگيخته شدم و فاصله بعثت من و قيامت مانند دو اسب مسابقه‌اند كه يكى از ديگرى فقط گوشش جلوتر باشد؛ نزديك بود قيامت از من به سوى شما پيشى گيرد. امام صادق «عليه‌السلام» مى‏فرمایند: رسول خدا «صلّى‌الله‌عليه‌وآله» بر فراز منبر برآمد و در حالى كه رنگ از چهره‏اش پريده بود رو بمردم نموده، فرمود: يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ إِنِّي إِنَّمَا بُعِثْتُ أَنَا وَ السَّاعَةُ كَهَاتَيْنِ قَالَ ثُمَّ ضَمَّ السَّبَّاحَتَيْنِ ثُمَّ قَالَ يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ إِنَّ أَفْضَلَ الْهَدْيِ هَدْيُ مُحَمَّدٍ وَ خَيْرَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّه‏. اى مسلمانان بعثت من با قيامت مانند اين دو انگشتم توأم است- و دو انگشت سبّابه خود را كنار هم قرار داد-. سپس فرمود: اى مسلمانان همانا برترين روش، روش محمّد است، و بهترين گفتار، كتاب خدا است‏.  
از حضرت علي«عليه‌السلام» داریم: «إنَّ اللّه َجَعَلَ مُحَمَّدا«صلّى‌الله‌عليه‌وآله» عَلَما لِلسّاعَةِ، و مُبَشِّرا بِالجَنَّةِ، و مُنذِرا بِالعُقوبَةِ» خداوند محمّد«صلّى‌الله‌عليه‌وآله» را نشانه رستاخيز قرار داد و نويددهنده بهشت و بيم‌دهنده از كيفر. و یا می‌فرمایند: «أنتُم وَ السّاعَةُ في قَرَنٍ» شما و قيامت به يك ريسمان بسته شده‌ايد و از هم جدا نمى‌مانيد. و نیز می‌فرمایند: «أسفَرَتِ السّاعَةُ عَن وَجهِها، و ظَهَرَتِ العَلامَةُ لِمُتَوَسِّمِها.» قيامت، چهره خويش را آشكار كرده و نشانه آن براى هوشمندانِ علامت‌شناس هويدا گشته است.

**انسان آخرالزمانی و ظرفیت گسترده آن**

-2 آری! با توجه به روایات فوق، با آغاز اسلام، به یک معنا آخرالزمان شروع شده، بدین معنا که بشریت در این زمانه در نهایی‌ترین حضور و وسیع‌ترین ظرفیت قرار دارد تا آن‌جایی که می‌تواند ظرفیت آخرالزمانی و قیامتی خود را احساس کند که همان درک «حضور بیکرانه اکنون جاودانه‌اش» می‌باشد و این زمان همان زمان و  هنگامه‌ای است که اگر انسان جواب ظرفیت وسیع خود را با آخرین وَحی الهی ندهد، احساس پوچی و نیست‌انگاری می‌کند.

**خواندن همان، و نزول وَحی همان**

-3سوره «العلق» جایگاه آخرین وَحی الهی را روشن می‌کند، به همان معنایی که فرشته وَحی بر رسول خدا«صلّى‌الله‌عليه‌وآله» نازل شد و از آن حضرت خواست که فقط بخواهد، بدون آن‌که در آن خواندن، خواندنِ متنی در میان باشد، و رسول خدا«صلّى‌الله‌عليه‌وآله» همین‌که شروع به خواندن کردند، کلمات قرآن همراه با معانی قدسی آن بر زبان‌شان جاری شد و گوش مبارک‌شان آن کلمات را شنید، کلماتی که قلب، متوجه حقیقت آن بود و عقلِ آن حضرت معنای آن آیات را به عمیق‌ترین شکلِ ممکنه درک می‌کرد.

**زندگی با حضور در فضای آخرین وَحی الهی**

-4همه انسان‌ها به دنبال آن هستند که مرحله نهایی کمال خود را بشناسند و زندگی را در مسیر به دست‌آوردنِ آن مصرف کنند، و این آغاز زندگی است. آغازی که با حضور در فضای آخرین وَحی الهی برای این بشر پیش آمده است، تا زندگی‌اش از پوچی به سوی رستگاری و کشف راز هستی جلو و جلوتر رود.

**سوره علق و نهایی‌ترین حضور**

-5درک این‌که ما با اسلام در تاریخی نو و در توحیدی عمیق‌تر قرار می‌گیریم، آن هم عمیق‌تر از توحیدی که دیگر ادیان الهی در آن قرار داشتند امر مهمی است و به همین اندازه امکان عبور از توهّمات آخرالزمانی که بسی ظلمانی‌تر و غلیظ‌تر است، بیشتر فراهم است و البته به ندرت پیش می‌آید که انسان‌ها مانند مولای‌مان علی«علیه‌السلام» و در کنار حضرت، مانند جناب سلمان و اباذر و مقداد و یاسر متوجه شوند چگونه تاریخ در حال حضوری است نو، آن‌طور که در این زمانه شهدا متوجه آن شدند و خداوند از حیاتِ خاص آن‌ها در این تاریخ خبر داد و فرمود: «بَلْ أَحْياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» آن‌ها در حیاتی جدید وارد شدند که نه مانند افراد زنده در دنیا زنده‌اند و نه مانند رفتگانِ از این دنیا، تنها در حیات برزخی و قیامتی هستند. با توجه به این امر چرا با حضور در سوره «علق» متوجه حضوری جدید و آغازی نو نباشیم که نهایی‌ترین حضور در این زمانه است؟

**نسبت هوش مصنوعی با انسان!؟**

-6با حضور در توحیدِ آخرین دین و عبور از ظلمانی‌ترین توهّمات، این انسان است که باید مواظب باشد هوش مصنوعی محور زندگی‌ او را در اختیار نگیرد. زیرا انسان مدرن با حضوری که در علوم دقیقه پیدا کرده و با محورقراردادن محاسبه‌های عقلِ ریاضی و قراردادن ابزارهای الکترونیکی در زندگی خود، در امتداد همان حضور، هوش مصنوعی به میان آمد. حال این انسان است و تصوری که از دست‌آوردهای جدید زندگی الکترونیکی خود دارد که آیا هوش مصنوعی را جانشین انسان کند و یا با نگاه توحیدی نابِ اسلامی و با نظر به سنت‌های جاری در عالم، مواظب باشد ابزارهایی مانند هوش مصنوعی موجب هرچه بیشتر رشد توهّمات انسان نگردد و در نتیجه از این طریق انسان را در اختیار بگیرد.

**انسان و امکانات دیگر و ربّ اکرم**

-7بحث در تفاوت تفکرِ محاسبه‌گر است با تفکری که با درک معنویات عالم، آینده خود را مدیریت می‌کند، در حالی‌که تکنولوژی، حاصل تفکر محاسبه‌گر است و در آخرین صورت آن در این زمان با هوش مصنوعی روبه‌رو هستیم و در این صورت اگر انسانِ آینده در مسیری پای گذارد که  در محدوده تفکر محاسبه‌گر باشد، این انسان و هوش مصنوعی در همدیگر منحل می‌شوند و در عمل، هوش مصنوعی رقیب چنین انسانی می‌گردد، یعنی انسانی که در حدّ انسانِ محاسبه‌گر تقلیل یافته. مثل آن‌که خود ما جوانانِ با هوشِ خود را به کامپیوتر توصیف می‌کنیم. بدین معنا در واقع می‌گوییم این جوان به دستگاه محاسبه‌گر شبیه است.  
در رقابت بین انسان با هوش مصنوعی که محور همه چیز محاسبه‌گری ریاضی مدّ نظر است، البته هوش مصنوعی انسان را مقهور خود می‌کند، مگر آن‌که انسان متوجه باشد امکانات دیگری دارد و «ربّ اکرمِ» او بنا دارد آن امکانات را با او در میان بگذارد تا امکان اندیشیدن به موضوعاتی که ماورای اندیشیدن به موضوعات محاسباتی است برایش پیش آید و این با توحیدِ آخرین وَحی الهی به عالی‌ترین نحوه شکل می‌گیرد. انسان در این حالت متوجه می‌شود علاوه بر آنچه کامپیوتر و هوش مصنوعی به او می‌دهد، امکانات دیگری هم دارد، این انسان مقهور هوش مصنوعی نمی‌شود.

**خطر بلعیده‌شدنِ بشر جدید با تکنولوژی**

-8در نظر به انسانِ آینده و انسان آخرالزمانی، بحث در آن است که آیا آن انسان به آینده تکنولوژی می‌اندیشد و یا به آینده خودش و امکاناتی که وَحی الهی در مقابلش قرار داده تا از طریق تکنولوژی بلعیده نشود و تنها نسبتی با تکنولوژی داشته باشد و این در صورتی است که خود را تا محدوده عقل تکنیکی تقلیل ندهد و «بِاسم ربِّ» خود نظر کند که ربّ اکرم است. آیا نباید با نظر به توحیدِ آخرین وَحی الهی متوجه باشیم با غفلت از «اسم ربّ» کار انسان به بلعیده شدن توسط تکنولوژی می‌انجامد و این هوش مصنوعی است که آینده بشر را در دست می‌گیرد؟

**انقلاب اسلامی و نجات از سیطره هوش مصنوعی**

-9 با توجه به این نکات باید متوجه بود در این آخرین زمان، این انقلاب اسلامی است که با توحید آخرین دین بنا دارد سرنوشت بشر جدید را از بلعیده‌شدن توسط تکنولوژی نجات دهد. توحید آخرالزمانیِ انقلاب اسلامی، راه‌هایی جدید و بسیار متعالی در مقابل انسان قرار می‌دهد، به همان معنایی که فرمود: «عَلَّمَ ٱلإِنسَانَ مَا لَم يَعلَم» یعنی انسانِ آخرالزمانی را به حقایقی آگاه می‌کند که خودش از آن آگاهی نداشت و راه نجات از سیطره اموری مانند هوش مصنوعی آن است که میدان در اختیار موحدانی باشد که متوجه امکانات متعالی انسان نیز باشند.

**فراتر از تکنولوژی**

-10آری! تکنیک‌های هوشمند به یک معنا زندگی انسان را در اختیار می‌گیرند برای دستکاری‌کردنِ خود انسان و مسیری است برای انحلال انسان، مگر آن‌که به نور توحید اسلامی، انسان بتواند خود را فراتر از تکنولوژی حفظ کند که در این زمانه انقلاب اسلامی این مهم را به عهده گرفته و سوره «علق» حکایت توجه به آغاز تاریخ توحیدی خاصی است، تا به جای آن‌که انسان گرفتار خرافات آخرالزمانی گردد، به «اسم ربّ» نظر کند و در ابعاد متعالی‌اش رشد نماید. زیرا پروردگار ما بنا دارد ما را به خودمان وا نگذارد تا مانند جهان بی‌پروردگار سرگردان باشیم.

**جایگاه آخرین وَحی**

-11سوره «علق» برای عبور انسان است از خرافات دیروز و عبور از جهانی که خدا به حاشیه رفته و از این جهت این سوره با توجه‌دادن به جایگاه آخرین وَحی، برای هر مرحله از زندگی بشر و برای هر تاریخی حرف‌هایی دارد. کافی است به پیام آن سوره همچون نبی اکرم«صلّى‌الله‌عليه‌وآله» گوش فرا دهیم و بخوانیم آنچه را خداوند در مقابل ما قرار داده است.

  والسلام علیکم و رحمۀ الله و برکاته